

روحانی در داووس

فرش بنفش زیر پای سرمایه

رسوبات اندیشه‌ی سوسیالیستی و فدائیان جهل

محمد قراگوزلو

Qhq.mm22@gmail.com

مجمع تشخیص مصلحت سرمایه

حسن روحانی همیشه چهره بی موثر و ذی نفوذ در سپهر امنیتی اقتصادی نظام حاکم بوده است. او - به ویژه - در دورانی که ریاست شورای امنیت ملی را به عهده داشت و پروژه‌ی خطیر هسته‌ی بی را پیش می‌برد، به وضوح نشان داد که نحوه‌ی کار بست کلید چرخش و کرنش در قفل‌های بسته‌ی اقتصاد امنیتی را بلد است و بهتر از هر دیپلمات دیگری به فن "نرمش" در برابر آمریکا و متحدانش مسلط است. حسن روحانی بنا به ضرورت تجدید آرایش بورژوازی حاکم به هنگام عروج دولت نئوکنسرواتیست نهم به نحو هوشمندانه‌ی بی به حساس‌ترین بخش تشکیلات مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت تا در سایه‌ی پدر بزرگوار سرمایه‌داری ایران (رفسنجانی) ساز و کارهای مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع را طراحی کند. دقیقاً یک سال پس از دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و زمانی که - پس از قهر و آشتی و گردن‌کشی بر زمینه‌ی عزل و نصب وزیر وقت اطلاعات - معلوم شد اوضاع و احوال انباشت سرمایه با شلخته‌بازی‌های محمود سر و سامان نمی‌گیرد؛ حسن روحانی وارد گود شد! به عنوان منتقد دولت! از همان وقتی که رفسنجانی در اعتراض بی نتیجه به نتایج انتخابات نهم شکایت به آسمان برد، مجمع تشخیص از هیچ اقدامی برای کنترل دولت نظامی احمدی نژاد کوتاهی نکرد اما در برابر حامی اصلی احمدی نژاد راه به جایی نبرد. با این حال رفسنجانی و دوستانش ضمن تمرکز در مجمع دست به یک سری اقدامات موازی با دولت زدند. یکی از این رویکردها دعوت از اقتصاد دانان نئولیبرال بود. چنان که دانسته است تیم احمدی نژاد از مدل اقتصاد نئولیبرالی شرقی - به طور مشخص پینوشه‌ی بی، دنگ شیائوپینگ، پوتینی - دنباله روی می‌کرد و در مقابل گروه رفسنجانی ترجیح می‌دهد به روش‌های اروپایی، ژاپنی عمل کند و الگوی سیاستمدارانی همچون شیراک، بلر را پیشه‌گیرد. یکی از اتفاقات مهمی که در این دوره افتاد و چندان مورد توجه واقع نشد سفر یک اقتصاددان نئولیبرال ژاپنی به تهران بود. پروفیسور تاناکا به عنوان مهمان ویژه‌ی حسن روحانی به ایران آمده بود تا ضمن اعاده‌ی حیثیت از آبروی به باد رفته‌ی بازار آزاد، نسخه‌ی جدیدی برای اقتصاد بحران زده‌ی ایران بپیچد. به نوشته‌ی روزنامه‌ی نئولیبرال "دنیای اقتصاد"؛ "حضرت تاناکا در سخنرانی خود در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص با نشان دادن کتابی از فون هایک از رجوع مجدد جهان به اندیشه‌های وی خبر داد." (دنیای اقتصاد، ش ۲۰۱۱ چهارشنبه ۲۲ دی ۱۳۸۹)

صاحب این قلم همان زمان (۲۷ دی ۱۳۸۹ / ۱۷ ژانویه ۲۰۱۱) در بخش نخست سلسله مقالات "امکان یابی مکان دفن نئولیبرالیسم" طی یادداشتی تحت عنوان "هایک در تهران" به ارزیابی چپستی آن ماجرا پرداخته است. بنگرید به:

باری، ۳ سال پیش زمانی که تیم رفسنجانی- روحانی با رهنمود اقتصاددانان هائیکی برای خروج از بن بست بحران دنبال کلید می گشت به ذهن کمتر کسی خطور می کرد که حسن روحانی عنقریب در مقام رییس دولت آن نسخه های شوم را به داروخانه ی داووس نزد سندیکای جنایتکاران سرمایه داری جهانی خواهد برد! اینک روحانی در داووس است.

هژمونی یا بقا؟

ضرورت خروج از بن بست پروژه ی هسته یی و شکست دیوار تحریم ها به دنبال شکست سیاست های تهاجمی غنی سازی هژمونی خواهانه، نظام سیاسی ایران را به ترجیح راهبرد بقا واداشت پذیرش نتایج شکننده ی انتخابات ۲۴ خرداد در همین راستا شکل بست تا برهه ی جدیدی از ساز و کارهای سیاسی اقتصادی در کشور رقم بخورد.

پس از هزینه های سرسام آور جنگ ۸ ساله دومین خسارت سنگین مالی زمانی از جیب خالی مردم فقر زده ی ما پرداخت شد که دانسته آمد کل پول هایی که برای غنی سازی ۲۰ درصدی خرج شده در نتیجه ی توافق ژنو ۳ به باد رفته است. کسی به درستی از میزان چنین مبلغ هنگفتی آگاه نیست اما روزنامه ی کیهان تهران- که به مراتب فراتر و فربه تر از یک رسانه است- از این معامله در قالب طنز تلخ دادن "لپ تاپ" و گرفتن "تی تاپ" یاد کرده است. همان قیاس "آب نبات" در مقابل "جواهر" که زمانی علی لاریجانی برای توافق سعد آباد به کار برده بود. نگفته پیداست که این "تی تاپ" (نوعی بیسکوئیت ارزان قیمت)- که قرار است در ۸ قسط به دولت روحانی پرداخت شود- قادر به علاج درد اقتصاد ورشکسته ی ایران نیست. رفع شکسته بسته ی تحریم ها به جز یک سری نتایج روانی از قبیل کاهش بهای ارز گشایشی در زنده گی روزمره ی مردم زحمتکش ایجاد نخواهد کرد. بارزترین دلیل آن بودجه ی انقباضی دولت، کسر بودجه ی هنگفت و "افزایش" ۱۸ درصدی دستمزد کارمندان است. این رقم در خوشبینانه ترین ارزیابی دست کم ۲۰ تا ۳۰ درصد کمتر از نرخ تورم سال گذشته است و به همین میزان سطح معاش را ساقط خواهد کرد. مضاف به این که بعید به نظر می رسد در شرایط حاضر و با توجه به ضعف و پراکنده گی جنبش کارگری از درون تشکیلات ۳ جانبه گرای "شورای عالی کار مزدی" نان و قاتقی بیش از "افزایش" حقوق کارمندان به سفره ی کارگران اضافه شود.

باری تولید و صادرات نفت ایران- مستقل از تحریم ها- در شرایطی نیست که در یک آینده ی قابل پیش بینی بتواند اقتصاد کشور را منبسط کند. صنعت نفت ایران فرسوده است. بازارهای جهانی اشباع شده است. تولیدات عربستان و عراق تمام شعارهای کاذب "بستن آبراهه ی خلیج فارس" و ایجاد بحران انرژی و نفت دویست سیصد دلاری را پوچ کرده است. در این شرایط حسن روحانی و اقتصاددانان نئولیبرال تیم او خوب می دانند که با یک بیسکوئیت بخور و نمیر تی تاپ نمی توان در مقابل شورش گرسنه گان ایستاد. شاید در داووس بتوان کیک زرد هسته یی را به چند تکه نان سنگگ تبدیل کرد.

نقش اتاق بازرگانی

می گویند - و ما نیز شنیده ایم فقط- که به محض بلند شدن صدای "نرمش قهرمانانه" در ژنو ۳ جیغ تلفن های دفاتر اتاق آلمان و فرانسه بلند شده است. ممتد. در آن نیمه شب تهران و سوئیس پس از آن که محمد جواد ظریف ملتسمانه لوران فابیوس را به آغوش کشید و عباس عراقچی برای عکس گرفتن با کاترین اشتون یک شکاف در تیم مذاکره باز کرد، اتفاقات زیادی افتاد! دوست عزیزی برایم نوشت:

>>روزنامه ی اینتر نتی اشپیگل آنلاین دیروز نوشت که فرانسوی ها بیش از همه از قرارداد ژنو سود می برند. نکاتی از آن را برایت در این جا میاورم: "اروپا بایستی در همین ماه دسامبر ایران را رفع بایکوت نماید." این را البته همین آقای لورن فابیوس وزیر امور خارجه گفته که سراسیمه به اسراییل سفر کرده بود. "یک تصمیم اروپایی در این زمینه ضرورت دارد!" اشپیگل در ادامه نوشته است که:

" صنایع فرانسه به ویژه از توافق ژنو سود می برند. این صنایع بیش از همه ی تولید کننده گان فرانسوی از تنبیهات بین المللی رو به افزایش علیه ایران رنج برده اند. پ اس آ پژو سیتروئن برای مثال در سال دوهزار و یازده برای چهارصد و پنجاه و هشت هزار خودرو به ایران لوازم یدکی فروخت که در فوریه ی دوهزار و دوازده این معامله به دلیل بایکوت ایران سر نگرفت. رنو در تابستان به علت تنبیهات تازه علیه ایران پانصد و دوازده میلیون یورو ضرر کرد. " و یا در مقاله ی دیگری بنام "معاملات میلیاردی با ایران" نویسنده می گوید که از دوشنبه صبح تلفن اتاق بازرگانی ایران و آلمان یک لحظه از زنگ زدن باز نمی ایستد." <<

شاید به خاطر این حجم ترافیک شغلی بود که "بنده ی خدا" دکتر محمد نهاوندیان عطای ریاست اتاق بازرگانی را به دیگری بخشید و دو دستی به ریاست دفتر روحانی چسبید. به هر ترتیب واقعیت این است که چرخ اتاق بازرگانی نه با زنگ تلفن بل با پول و سرمایه می چرخد. حتا برای چرخاندن سانترفیوژهای نطنز و فردو نیز باید به سرمایه ی جهانی تکیه زد. حالا دیگر سطحی ترین و بی خبرترین بخش افکار عمومی نیز می داند که افسانه ی دور زدن تحریم ها به رانت خواری های میلیاردی امثال زنجانی- ضراب انجامیده است. لاجرم باید تمام این دور زدن ها را کنار گذاشت و مستقیم رفت به خیابان اصلی و با صاحب خانه همراه شد. نقطه سرخط. سرخط را در داووس ترسیم می کنند. نقطه گذاری هم در همان جا شکل می بندد.

هراس از شورش گرسنه گان

برای صاحب این قلم "مجمع جهانی اقتصاد" (داووس) همیشه حامل یک پیام سیاه بوده است. ۱۳ سال پیش (پنج شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۷۹) در متن یادداشتی پیرامون داووس چنین نوشتم:

"بعید می دانم کسانی که هفته ی گذشته در داووس گرد آمدند تا سهم صنایع بزرگ را در اقتصاد جهانی کنار بگذارند، مجال آن را یافته باشند تا از ارتفاعات برف گرفته ی این شهر کوچک سوئیسی نقبی هم به حافظه ی تاریخی بزنند. در تقسیم بندی های جغرافیایی داووس مانند لوزان و ژنو و برن شناخته شده نیست... با این همه کلبه های حاشیه یی این شهر خاطرات خطیری را رقم زده اند. در اواخر سال ۱۹۴۴ زمانی که رایش سوم در آستانه ی سقوط قرار گرفته بود بسیاری از فرماندهان ارتش منزه از آلمان دور از چشمان در غبار فروپاشی ماموران امنیتی گشتاپو و اس اس به سوئیس می خزیدند تا...."

و پس از تاملی نوستالژیک در یادمان یکی از فرستاده گان اتحاد جماهیر شوروی به ارزیابی پلاتفرم آن سال داووس (لیبرالیزاسیون نظام اقتصادی محبوس در چنگال دولت) پرداختم و چشم به فوروم اجتماعی متشکل در پورتو الگره (جهانی دیگر ممکن است) دوختم و چنین ادامه دادم:

" در عصر ما اکثریتی هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا این اقلیت همان کسانی نیستند که در کنفرانس داووس جمع شدند تا سرنوشت جهان را به اندازه بی که خود تشخیص می دهند، برش دهند؟ اقلیتی که از تمام امکانات جهانی سود می جوید اما از ترس شورش و انقلاب عظیم گرسنه گان در تشویش و نگرانی به سر می برد!"

(دل تنگی های آدمی از داووس تا پورتو. ۲۰ بهمن ۱۳۷۹ روزنامه ی حیات نو ش: ۲۰۵)

از ژنو تا داووس

بر اساس آن چه کمیته اجرایی مجمع جهانی داووس سال ۲۰۱۴ اعلام کرده است یافتن راه های مشارکت سازنده بین بخش دولتی و خصوصی برای جهانی شدن، تغییرات آب و هوایی، تجارت چند جانبه و همچنین بحث درباره ی موضوعات اجلاس ۲۰۱۵ و برنامه های توسعه و ارائه راهکار برای حل مشکل بیکاری و کاهش فاصله طبقاتی از جمله محورهای داووس ۲۰۱۴ است.

دو بار حضور محمد خاتمی در اجلاس داووس (۲۰۰۴ و ۲۰۰۷) و ملاقات با سران دولت ها از جمله جان کری این امکان را به رییس جمهوری اسلامی ایران می دهد که با همتایان غربی خود خلوت کند و صحبت های رو در رویی که در حیات خلوت مجمع عمومی سازمان ملل نیمه کاره ماند پیش ببرد.

حسن روحانی با وزیر خارجه اش به داووس رفته است. با وزیر خارجه و نه با وزیر نفت یا صنایع و بازرگانی! و این خیلی معنا دار است. جایی که سهم سرمایه ی جهانی و نسبت ها و تناسب هایش با اقتصادهای کوچک و حاشیه یی سرمایه داری جهانی هم تعیین می شود این سیاستمداران هستند که امضایشان معتبر است اما در عین حال طرف قرار داد همان صاحبان صنایع بزرگ و کمپانی هایی هستند که این دیپلومات ها را پشتیبانی می کنند. حسن روحانی به داووس رفته است تا روابط تجاری با آمریکا و اتحادیه ی اروپا بعد از اجرایی شدن توافق ژنو گسترش یابد.

معنای سراسر این سیاست همان ادامه ی برنامه ی شکست خورده ی ادغام در سرمایه داری غربی است که در دوران رفسنجانی شروع شد و با احمدی نژاد متوقف گردید. در همین راستا و از دو سه ماه پیش فراخوان دعوت به چپاول (نام واقعی سرمایه گذاری امپریالیستی) از سوی وزیر نفت روحانی منتشر شده است. فرش بنفش روحانی زیر پای صاحبان کارتل ها و تراست های غول پیکر نفتی پهن خواهد شد تا خواهران و برادران هفت گانه به کشور ما قدم رنجه فرمایند! بازگشت " غرور آفرین و با شکوه" رویال داچ شل انگلیسی- هلندی، توتال فرانسوی، انی ایتالیایی، او امی وی اتریشی، استات اوپل نروژی و اکزون موبایل شیطان بزرگ انسان را به دوران اعلیحضرت می برد! غمی نیست، کارخانه های خودرو سازی رنو و پژو فرانسه و قطعه سازان نیسان و سوزوکی و کیا و مزدا نیز به زودی سر و کله شان پیدا خواهد شد و معاملات تهاتری با روسیه و چین نیز ارتقا خواهد یافت. اما.....

پیشروی در داووس به همین ساده گی ها هم نیست. ملزومات اصلی موفقیت در داووس به دو بستر خارجی و داخلی وابسته است. در سطح خارجی دولت روحانی باید بتواند توافقات ژنو ۳ را بی کم و کاست اجرایی کند و از پس رقیبان محافظه کار داخلی بر بیاید. از روز تعلیق غنی سازی ۲۰ در صدی موج جدیدی از این تقابل آغاز شده است. مهم تر از عملیاتی سازی توافق ژنو این است که دولت روحانی ناگزیر است که توافق ژنو را به حصول یک توافق سیاسی گسترده میان نظام سیاسی حاکم و آمریکا و اروپا گره بزند. جنگ داخلی در سوریه فقط بخشی از این توافق خواهد بود. بدون چنین توافقی بعد از مدتی ژنو و داووس برای روحانی و ظریف در حد یک سفرنامه تنزل خواهد یافت.

در سطح داخلی دولت روحانی باید بتواند زمینه های ورود سرمایه را مهیا سازد. تحقق چنین برنامه یی در ایران کنونی تنها از طریق قبرستانی کردن جامعه ممکن خواهد شد. این جا دیگر صحبت از منتقدان محافظه کار و اصول گرای دولت نیست. این جا صحبت از امنیت سرمایه و در همین راستا تبدیل کشور به بهشتی برای سود آوری سرمایه است. لازمه ی عملیاتی شدن چنین پروژه یی را در سخنان مقامات ارشد دولت یازدهم می توان دید. آن جا که وزیر اطلاعات در ملاقات با سرمایه داران از ضرورت حذف "رسوبات اندیشه ی سوسیالیستی" یاد می کند و مشاور ارشد روحانی رسالت دولت را "زدودن چپ زده گی" می داند و هم زمان جمعی از ژورنالیست های نئولیبرال باند امنیتی عطریانفر ماموریت می گیرند تا یک بار دیگر مانند دوران بستر سازی یورش به "داب" تمهیدات حمله به چپ را طرح ریزی کنند. نوشته های سخیفی مانند "فدائیان جهل" تنها گوشه یی از این یورش است.

اما قدر مسلم این که ساده لوحی محض است پروژه ی جدید نئولیبرالیسم ایرانی را به یک مقاله ی سفارشی در یک رسانه ی دست راستی محدود و متمرکز کنیم. باز کردن زنجیر روزنامه نگاران نئولیبرال تنها بخشی از این تهاجم گسترده است. بی شک این یورش در عرصه های مختلف صورت خواهد گرفت. از جمله:

تضعیف مستمر توان سازمان یابی طبقه ی کارگر به شیوه های مختلف مانند منجمد کردن دستمزدها، سیال کردن قانون کار، نهادینه سازی قراردادهای سفید امضا، مقابله با ایجاد تشکل های مستقل کارگری، تلاشی و انفعال همین چند تشکل موجود از طریق قلع و قمع فعالان برجسته ی آن و ایجاد تشنت در میان این فعالان، تقویت تشکل های زرد دولتی و ارتقای قدرت مانور ماموران خانه ی کارگر و جا زدن فعالان این خانه ی سیاه (مانند حسن صادقی ها در یک برنامه ی تله ویزیونی موسوم به مناظره برای دستمزد) در میان توده ی کارگران؛ تقویت بنیه ی بخش خصوصی و افزایش توان چپاولگری بازار و... خلاصه ی ماجرا از این قرار است: در داخل چپ را می زنند و در خارج سند آن را به امضا می رسانند. داووس جایی است برای ثبت این ضربه.